

دانشنامه جهان اسلام

س

پهسالار، میرزا حسین خان - سکو توره

(۲۳)



زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

معاون علمی
حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۶

ولجانی، رساله توضیح المسائل، قم ۱۳۹۶ ش؛ محمد بن مکی شهید اول، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۹؛ زین الدین علی شهید لانی، روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، قم ۱۳۸۰ ش؛ طباطبائی؛ محمد کاظم بن عبدالمعظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، قم ۱۴۱۷-۱۴۲۳؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ محمدحسین اعلمی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الخلاف، چاپ محمد مهدی نجف، جواد شهرستانی، و علی خراسانی کاظمی، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷؛ همو، المبسوط فی فقه الامامية، ج ۱، چاپ محمد تقی کشفی، تهران ۱۳۸۷؛ حسن بن یوسف هلامه حلّی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامية، چاپ ابراهیم بهادری، قم ۱۴۲۰-۱۴۲۲؛ همو، تلکرة الفقهاء، قم ۱۴۱۴؛ همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد ۱۴۱۲-۱۴۲۹؛ محمد بن محمد فزالی، احیاء علوم الدین، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، او، المفاتیح الغیب، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، کویت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ مجلسی؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ صادق شیرازی، تهران ۱۴۰۹؛ اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۳۷۱-۱۳۸۳ ش؛ محمد بن محمد مفید، الْمُقْنِیَّة، قم ۱۴۱۰؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، زیدة البیان فی احکام القرآن، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران [بی تا]؛ حسینعلی منتظری، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافرين، تقریرات درس آیت الله بروجردی، قم ۱۳۶۲ ش؛ الموسوعة الفقهیة، کویت؛ وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، ج ۱۵، ۱۹۸۸/۱۴۰۸، ج ۲۳، ۱۹۹۰/۱۴۱۰، ج ۲۵ و ج ۲۷، ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ نجفی؛ احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم، ج ۴، ۱۴۱۵، ج ۸، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ۱۴۱۹؛ یحیی بن شرف نَوَوِی، الاذکار النوویة، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ همو، المجموع؛ شرح الْمُهَذَّب، بیروت؛ دارالفکر، [بی تا].

/ شهرام صحرانی و فریده سعیدی /

(۲) در تصوف، سفر در تصوف، یکی از آداب سلوک است که همانند معنای لغوی سفر (نقاب از چهره برداشتن و واضح و روشن شدن ← خلیل بن احمد؛ صاحب بن عَبَّاد، ذیل و اژه)، خلق و خوی سالک را آشکار می کند (ابوطالب مکی، ج ۲، ص ۳۹۶؛ قَشَّیری، ص ۲۹۲). سالک تا انتهای سلوک همواره در سفر است. از این جهت سفر معنای عامی دارد که همه مراحل وجود را از زمانی که انسان از عالم عدم به عالم وجود پامی گذارد تا قیامت دربرمی گیرد (عَبَّاد، ص ۲۴۸-۲۴۹). اما معنای خاص سفر در پرتو انسان شناسی عرفانی روشن می گردد: انسان از دو عنصر جسم و روح ترکیب یافته است، پس سفر او نیز شامل دو قسم جسمانی (سفر بالبدن) و روحانی یا باطنی (سفر بالقلب) است. در سفر جسمانی سالک از مکانی به مکان دیگر عزیمت می کند و در سفر روحانی، باطن سالک از صفی بد به

در منابع دینی بر نیکو بودن این امور نیز تأکید شده است؛ فراگیری احکام شرعی درباره موضوعی که به منظور آن سفر می کند - به ویژه در سفر حج - و نیکو بودن همراه داشتن کتابی در باب آن موضوع برای مطالعه در طی سفر، دانستن رخصتهای شرعی سفر و حدود و شروط آنها و یادگیری احکام مورد ابتلا در سفر مانند چگونگی یافتن جهت قبله و تعیین اوقات نماز (← غزالی، ج ۲، ص ۳۵۷-۳۷۵؛ نووی، المجموع، ج ۴، ص ۳۸۵-۴۰۲؛ بحرانی؛ نراقی؛ طباطبائی یزدی، همانجاها). عموم این آداب از رسوم رایج در جوامع اسلامی و مورد اهتمام مسلمانان بودند. برخی گروهها، مانند صوفیان، نیز برای سفر آدابی خاص ذکر کرده اند (← بخش ۲).

منابع: علاءه بر قرآن؛ آقابزرگ طهرانی؛ ابن ادریس حلّی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴؛ ابن یزاج، الْمُهَذَّب، قم ۱۴۰۶؛ ابن تیمیّه، مجموع الفتاوی، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ ابن زهره، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، چاپ ابراهیم بهادری، قم ۱۴۱۷؛ ابن قدامة، المغنی، بیروت [۱۳۴۷]، چاپ افست [بی تا]؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت؛ دارصادر، [بی تا]؛ محمدحسین اصفهانی، بحوث فی الفقه، رساله ۲؛ صلاة المسافر، قم ۱۴۱۸؛ امام خمینی، تحریر الوسیلة، نجف ۱۳۹۰؛ مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب الصلاة، ج ۳، قم ۱۴۲۵؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ بخاری؛ مرتضی بروجردی، مستند العروة الوثقی؛ کتاب الصلاة، تقریرات درس آیت الله خویی، ج ۸، [قم] ۱۳۶۷ ش؛ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفین، ج ۲، در حاجی خلیفه، ج ۶؛ منصور بن یونس بَهَوَی حنبلی، کُشَّاف القناع عن متن الاقناع، چاپ محمدحسن شافعی، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت؛ دارالفکر، [بی تا]؛ توضیح المسائل مراجع؛ مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، گردآوری محمدحسن بنی هاشمی خمینی، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش؛ عبدالکریم حائری یزدی، کتاب الصلاة، قم ۱۳۶۲ ش؛ حرّ عاملی؛ محمدجواد بن محمد حسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، چاپ محمدباقر خالصی، قم ۱۴۱۹؛ محمد بن محمد خطّاب، مواهب الجلیل لشرح مختصر خلیل، چاپ زکریا عمیرات، بیروت ۱۴۱۶/۱۹۹۵؛ محمد بن احمد خطیب شیرینی، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، [قاهره] ۱۳۷۷/۱۹۵۸؛ عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، فتح العزیز؛ شرح الوجیز، [بیروت]؛ دارالفکر، [بی تا]؛ وهب زُحَلِی، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق ۱۴۰۴-۱۴۱۷/۱۹۸۴-۱۹۹۷؛ جعفر سبحانی، ضیاء الناظر فی احکام صلاة المسافر، قم ۱۴۱۸؛ عبدالسلام بن سعید سَحْنُون، الْمُذَوَّنَةُ الکبری، التي رواها سَحْنُون بن سعید تنوخی عن عبدالرحمان بن قاسم عقی عن مالک بن انس، قاهره ۱۳۲۳، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ محمد بن احمد سرخسی، کتاب المبسوط، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمد بن ادریس شافعی، الْأَم، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ موسی شیرینی

صفی نیک ارتقا می‌یابد (قشیری، ص ۲۸۹؛ غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۰۱).

درباره لزوم سفر جسمانی در میان صوفیان اتفاق نظر نیست. برخی از مشایخ صوفیه همچون بایزید بسطامی*، سهل تستری* و جنید بغدادی* به لزوم اقامت (حضر) معتقدند و بعضی دیگر مثل ابراهیم بن ادهم*، ابو عبد الله مغربی* و ابراهیم خواص* به ضرورت سفر. در گروه اخیر برخی در جوانی بسیار سفر کردند و در نهایت مقیم شدند، زیرا به نظر آنان سفر در ابتدا برای فراگیری علم، و اقامت در انتها برای عمل به علم سودمند است. عده‌ای نیز در جوانی مقیم بودند و سپس به سفر روی آوردند (قشیری، همانجا؛ غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۱۱).

در سفر ظاهری سالک نباید بی‌انگیزه و دودل سفر کند، از این رو صوفیه ضمن تأکید بر لزوم انگیزه در سفر، متعلق انگیزه را به دو دسته مطلوب و نامطلوب تقسیم کرده‌اند. متعلق انگیزه نامطلوب، شامل خواسته‌های دنیوی همچون کسب جاه و مال حرام، فتنه‌انگیزی و دشمنی. متعلق انگیزه مطلوب نیز برای یافتن فواید دنیوی مانند طلب مال و گریز از بیماری و فواید اخروی مثل حج، جهاد، طلب علم، ظاهر شدن صفی نیک در سالک، دیدن آثار گذشتگان و عبرت از آنها، زیارت مزارات مشایخ و جستجوی شیخی کامل است (غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۰۲-۱۳۰۳؛ عمرین محمد سهروردی، ص ۱۱۹، ۱۲۱-۱۲۲؛ نجم رازی، ص ۲۵۵).

پیش از سفر و در طول سفر و در پایان آن آداب وجود دارد که باید رعایت شود. نکته بسیار مهم در آداب سفر آن است که همه مراحل آن باید با نیتی صالح و برای رضای الهی (هجویری، ص ۵۰۹؛ عبّادی، ص ۲۵۰؛ عزالدین کاشانی، ص ۱۸۵) و به قصد پاک شدن دل، ریاضت نفس و سلامت یافتن دین و دوری از تعلقات نفسانی و ازدیاد ایمان طی شود و سالک نباید از سفرهای بسیارش مغرور شود (ابوطالب مکی، همانجا؛ غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۶؛ عبّادی، ص ۲۵۱). سالک اگر قصدش عیش، طلب جاه و منصب، ریا و معصیت باشد، سفرش بیهوده است و نه تنها حاصلی ندارد و موجب کمال دین نخواهد شد، بلکه به خواری و خسران سالک می‌انجامد (سُلَمی، ص ۴۸۰؛ عبدالقاهرین عبدالله سهروردی، ص ۲۶۲؛ باخرزی، ج ۲، ص ۱۵۸).

سالک پیش از آغاز سفر باید آداب را به جای آورد. او باید از والدین و شیخ خود اجازه بگیرد، امانات را به صاحبانشان بازگرداند، ادای دیون کند و در صورت ناتوانی از طلبکار مهلت بگیرد، با برادران دینی و خانواده خود وداع کند، دو رکعت نماز استخاره (درخواست خیر از خدا) و دو رکعت نماز هنگام

حرکت بخواند و مقداری توشه برای سفر بردارد (غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۱۴، ۱۳۱۶-۱۳۱۷؛ عبدالقاهرین عبدالله سهروردی، همانجا؛ عمرین محمد سهروردی، ص ۱۲۸). بهترین زمان سفر نیز بامداد روز پنج‌شنبه است (غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۴؛ عمرین محمد سهروردی، ص ۱۳۵). سالک در طول سفر نیز باید به آدابی ملتزم باشد، از جمله در صورت امکان باید با پای پیاده به سفر برود تا نفس ریاضت ببیند، با چهارپا ملاطفت و با مُکاری ملایمت کند، مدام ذکر بگوید، آهسته قرآن زمزمه کند، به همسفران مهربانی کند، گدایی نکند مگر به ضرورت، در فراز و فرودها تکبیر بگوید، به علم خواطر* مجهز باشد تا بتواند خواطر حق و باطل را در سفر از هم تشخیص دهد (غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ عمرین محمد سهروردی، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ باخرزی، ج ۲، ص ۱۵۹، ۱۶۲)، در طول سفر به خدمت دوستان و ایثار در حق آنان مشغول گردد و ملتزم به دوام طهارت باشد (عبّادی، همانجا).

از دیگر آداب سفر آن است که باید گروهی باشد. سالک نباید به تنهایی سفر کند، زیرا سفر انفرادی فقط برای سالکانی توصیه شده است که به آفات نفس خود دانا باشند و قدرت تحمل دشواریهای سفر را داشته باشند. سفر گروهی نیز باید با افرادی پرهیزکار انجام شود و برای گروه امیری خوش خلق، باتجربه، سخاوتمند، باشفقت و بامروت انتخاب گردد تا همه از او پیروی کنند. امیر نیز باید متواضع باشد و خدمت و مهربانی به همگان را بر خود واجب بداند (عمرین محمد سهروردی، ص ۱۳۳؛ باخرزی، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ عزالدین کاشانی، ص ۱۸۷).

صوفیان هنگام رسیدن به مقصد و اقامت در سفر نیز آداب دارند. هنگامی که سالک به شهر نزدیک می‌شود باید بر زندگان و مردگان درود فرستد و قرآن بخواند، در صورت امکان غسل کند و اگر امکان ندارد تجدید وضو و تعویض لباس کند، دو رکعت نماز در مسجد شهر بگذارد و وارد خانقاه شود، بیش از ده روز در یک شهر نماند مگر به اشاره شیخ، و با صوفیان راستین شهر مصاحبت کند (غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۶؛ عمرین محمد سهروردی، ص ۱۳۹-۱۴۰).

در مورد آداب بازگشت از سفر و رسیدن به وطن نیز گفته شده است که سالک وقتی به شهر خود رسید سه بار تکبیر بگوید، دعا بخواند، به پیروی از سیره نبوی ابتدا دو رکعت نماز در مسجد شهر بگذارد و سپس به منزل خویش برود و برای اهل خانه‌اش رهاورد (سوغات) ببرد (غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۲۳؛ همو، ۱۳۶۴، همانجا).

چنانچه سالک خالصانه آداب سفر را به جای آورد، فوایدی

زاد و توشه اخروی نیز سخن گفته‌اند. از نظر آنان، سالک به لحاظ توشه اخروی باید دارای حضور قلب، ذاکر، متوکل، راضی، پای‌بند به شرعیات و پیوسته حافظ سنت باشد (سجود، ص ۵۱۰؛ نجم‌الدین کبری، ص ۷۴-۷۵). از ابویعقوب سوسی (از صوفیان قرن سوم) نقل شده‌است که سالک چهار چیز در سفر نیاز دارد: علم، ورع، وجد و خلق نیکو (سراج طوسی، همانجا؛ قشیری، ص ۲۹۲). منظور از علم، دانستن احکام شرعی سفر درباره طهارت، وضو، نماز، روزه، قبله و اوقات نماز است (سجود، ص ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۷۲).

سفر روحانی یا سفر قلبی که از نظر عرفا مهم‌تر از سفر ظاهری است، سیری است در خویشتن برای رهایی از نفس. این سفر یا سیر که برای مهار نفس اماره و تخلّق به اخلاق الهی و سرانجام رسیدن به وصال الهی و فنای در حق انجام می‌گیرد (سجود، ص ۱۰۰؛ محمدبن منور، بخش ۱، ص ۲۰۶؛ عمر بن محمد سهروردی، ص ۱۲۵)، دارای مراتب یا مراحل و نیز آدابی است که برخی از این آداب مربوط به ظاهر و برخی مربوط به باطن است. آداب ظاهری سفر قلبی شامل عزلت* و خلوت* گزیدن و حفظ جوارح از آنچه خدا منع کرده و به‌جا آوردن طاعات و عبادات است. آداب باطنی سفر قلبی شامل کسب اخلاق حسنه همچون صبر* و رضا* و تسلیم* و دوری از غفلت است (سجود، ص ۶۲-۶۴؛ برای آداب ظاهری سفر روحانی به آداب سلوک*؛ برای آداب باطنی سفر روحانی به سیر و سلوک*).

منابع: ابوطالب مکی، قوت القلوب فی معاملة المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید، چاپ سعید نسیب مکارم، بیروت ۱۹۹۵؛ یحیی بن احمد باخری، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، ج ۲: فصول الآداب، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۵ ش؛ غلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۰؛ عبداللّه بن علی سراج طوسی، کتاب التّمع فی التّصوف، چاپ ریتولد الین نیکلسون، لیدن ۱۹۱۴، چاپ افست لندن ۱۹۶۳؛ محمد بن حسین سلّی، طبقات الصوفیة، چاپ نورالدین شریب، حلب ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ مجدود بن آدم سنایی غزنوی، کتاب حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، چاپ محمدتقی مدرس رضوی، [تهران ۱۳۲۹؟ ش]؛ عبدالقاهر بن عبداللّه سهروردی، آداب المریدین، ترجمه عمر بن محمد شیرکان، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ عمر بن محمد سهروردی، کتاب عوارف المعارف، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد بن علی سلّی، النور من کلمات ابی طیفور، در عبدالرحمان فی اللغة، چاپ محمد حسن آلیاسین، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ منصور بن اردشیر غبادی، التّصفیة فی احوال المتصوّفة (صوفی‌نامه)، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ محمود بن علی عزالدین کاشانی،

نصیبش خواهد شد که از جمله آنها مهار نفس، نرم شدن دل (سجود، عزالدین کاشانی، ص ۱۸۴)، آشکار شدن خلّق و خوی نیک و بند پنهان سالک، رهیدن از خودپرستی و خودبرتربینی است (سراج طوسی، ص ۱۹۰؛ قشیری، ص ۲۹۲؛ سنایی غزنوی، ص ۴۷۶-۴۷۷). همچنین، سفر همت اقویا و دل‌های ضعیفان را تقویت می‌کند و بصیرت علما را افزایش و احوال مبتدیان را تغییر می‌دهد (ابوطالب مکی، ج ۲، ص ۴۰۰؛ نجم‌الدین کبری، ص ۷۷). از دیگر فواید سفر صحبت با صالحان و پرهیزکاران، تفرید و تجرید و نیل به علم لدنی و فتوحات غیبی است. سالک با چنین توشه معنوی می‌تواند از مردم دستگیری کند (عمر بن محمد سهروردی، ص ۱۲۳). با این حال، چه‌بسا سفر در برخی سالکان مبتدی اثر معکوس بگذارد و همتشان را متزلزل، اخلاقشان را فاسد، عباداتشان را ضایع و به رفقای نااهل دچارشان کند (نجم‌الدین کبری، همانجا).

برای سفر اقسامی ذکر کرده‌اند. غزالی (۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۱۰) با توجه به نظرگاه فقهی سفرها را به دو دسته کلی پسندیده و ناپسند تقسیم کرده‌است. از سفرهای ناپسند یا حرام سفری است که با عاق والدین همراه باشد یا سفری که هدف از آن انجام دادن فعل گناه یا مکروه باشد مانند خروج از شهر طاعون‌زده که سبب انتقال بیماری به جاهای دیگر می‌شود. سفرهای پسندیده یا واجب‌اند مثل حج، جهاد، طلب علم، رد مظالم و طلب حلیت و اجابت دعوت والدین؛ یا مستحب‌اند مانند زیارت تربت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسجدالنبی و مسجدالاقصی، زیارت قبور و مشاهد مشایخ و علما و اولیا؛ یا مباح‌اند همچون سفری که به قصد تفرج و تماشا و برای کسب مال و روزی حلال انجام گیرد (نیز به سراج طوسی، همانجا؛ عبدالقاهر بن عبداللّه سهروردی، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ نجم‌الدین کبری، ص ۷۰-۷۳). در این میان، حج، جهاد و زیارت تربت پیامبر فاضل‌ترین سفرها به‌شمار می‌آیند (ابوطالب مکی، ج ۲، ص ۳۹۷؛ عبادی، ص ۲۵۰؛ عبدالقاهر بن عبداللّه سهروردی، ص ۲۶۱).

سالک در طول سفر به زاد و توشه دنیوی و اخروی نیازمند است. صوفیان به تأسی از سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شانه، آئینه، مسواک، سرمه‌دان و ناخن‌گیر با خود همراه داشتند. بعدها طناب و دلو را نیز به آنها افزودند (غزالی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۴۶۵). ضرورت داشتن این ابزارها به گونه‌ای بود که اگر سالکی در سفر آنها را همراه خود نداشت، دلیل بر نقصان دین او و ترک طهارت و وضو و نماز از جانب او بود (ابوطالب مکی، ج ۲، ص ۴۰۰؛ غزالی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۲۱-۱۳۲۲؛ باخری، ج ۲، ص ۱۶۰). برخی صوفیان از

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، چاپ عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ محمدبن محمد هزالی، احیاء علوم الدین، چاپ محمد وهبی سلیمان و اسامه عموره، دمشق ۱۴۲۷/ ۲۰۰۶؛ همو، کیمیای سعادت، چاپ حسین خدیو جم، تهران ۱۳۶۴ ش؛ عبدالکریم بن هوازن قشیری، الرسالة القشیریة فی علم التصوف، چاپ معروف زریق و علی عبدالحمید بلطه جی، دمشق ۱۴۰۸/ ۱۹۸۸؛ محمدبن منوره، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، چاپ محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ احمدبن عمر نجم الدین کبری، اربع رسائل، چاپ ماریژان موله، رساله ۴؛ کتاب آداب السلوک الی حضرة مالک المملک و ملک الملوک، در (1963) *Annales islamologiques*, IV؛ عبدالله بن محمد نجم رازی، مرصاد العباد، چاپ محمد امین ریاحی، تهران ۱۳۶۵ ش؛ علی بن عثمان مجویری، کشف المحجوب، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۸۳ ش.

/ سیده فاطمه زارع حسینی /

۳) تاریخ اجتماعی. در منابع دوره اسلامی اغلب گزارشهای راجع به سفرها درباره حاکمان و دولتمردان و خواص است. باین حال، از آنجا که سفر در میان مردم عادی هم رویدادی کمابیش پریسامد بوده است، گزارشهای درخور توجهی از چگونگی و آداب و رسوم و باورهای مسافرتی مردم عادی نیز در دسترس است.

درباره سفرهای مردم عرب قبل از اسلام، اطلاعات اندکی وجود دارد. اغلب سفرها در آن دوران، برای تجارت و مبادلات اقتصادی بوده است (درباره مسیرها و مقصدهای این سفرها ← احمد ابوسعید، ص ۱۴-۱۶). از آغاز دوران اسلامی و به ویژه با آغاز عصر فتوحات، حج گزاری و جهاد، دو عاملی بودند که بسامد سفرها و تعداد مسیرها و مقصدهای مسافرتی مسلمانان را به سرعت افزایش دادند؛ گو اینکه تشکیل دولتهای اسلامی نیز انبوهی از سفرهای اداری و مالی و ارتباطی را برای اداره امور حکومتی ایجاد می کرده و همین امر مایه ایجاد یا گسترش سریع زیرساختهای متنوع حمل و نقلی (← حمل و نقل*) در جهان اسلام، از قرن دوم هجری به بعد شده است (← همان، ص ۱۷-۲۰). در منابع حدیثی و اخلاقی و ادبی و نیز منابع صوفیانه دوره اسلامی، از همان قرون اولیه شمار بزرگی از توصیه ها و شایست و نشایستها راجع به سفر و جنبه های مختلف آن پدید آمده که به نوعی یک گونه ادبی دین بنیاد را تحت عنوان آداب السفر شکل داده است. در این آثار اهداف و انگیزه های سفرهای مسلمانان دسته بندی شده است. سفر برای طلب نجات همچون هجرت از دارالحرب به دارالاسلام، فرار از جایی که فساد و حرام در آن غلبه دارد، فرار برای نجات جان یا مال، ریاضت و تهذیب نفس و

جستجوی صحبت اهل سلوک و مشایخ طریقت؛ سفر برای امر دینی همچون سفرهایی برای ارشاد و وعظ و تبلیغ دین، سفرهای آموزشی برای تدریس و تحصیل معارف دینی و به ویژه شنیدن حدیث و تعلیم و تعلم فقه، حج گزاری، زیارت مکانهای مقدس، دیدار برادران دینی، سیر آفاق و انفس و سیاحت آیات الهی در زمین و عبرت گرفتن از گذشتگان؛ سفر برای طلب دنیا و معاش و تجارت و سفرهای سیاسی و اداری و حکومتی (← بحرالفوائد، ص ۴۴-۴۴؛ ذاکری، ص ۳۰۶-۳۰۲؛ محمدی افشار، ص ۴۴-۴۴؛ صعیدی، ص ۲۳-۴۲). در همین زمینه، به ویژه بر اساس روایات، آدابی برای سفرها توصیه می شده است که در میان آنها، وصیت و تعیین تکلیف دیون و لزوم داشتن راهنما یا همراه و تدارک ملزومات سفر، از جنبه های اجتماعی حائز اهمیت است (← برقی، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۵۸؛ فجری، ص ۷۵-۷۶؛ صعیدی، ص ۴۵-۶۲). در این آثار بر تدارک چهارپا و محمل (کجاوه*)، هودج و جز آنها، چادر/ خیمه*، ظرفهای نگهداری و مصرف آب و غذا برای مسافر و چهارپا، مشعل و مواد سوختنی برای تهیه آتش و دیگچه و سه پایه ای برای پخت و پز، شانه، مسواک، آئینه، سرمه دان، قیچی، سوزن و تیغ و کارد و نعلین و جز آنها تأکید شده است (← بحرالفوائد، ص ۲۴۵؛ ابن فضل الله عمری، ص ۲۷۸-۲۸۲؛ کاشفی سبزواری، ص ۲۴۴). نمونه متأخر و البته جامع این دست آثار، رساله کوتاه و فشرده آداب السفر علی بن حسین مشهور به زین العابدین صفوی گنجوی سیاح است (← زین العابدین سیاح، ص ۸۰-۶۱). او از ۱۲۷۳ تا ۱۲۸۰، علاوه بر شهرهای ایران به هند و افغانستان و عراق نیز سفر کرد و سفرنامه تحفة الالباء فی تذکرة الشرفاء را نیز نگاشت (همان، مقدمه مایل هروی، ص ۶۰).

در کنار توصیه های دینی به سیر آفاق و انفس، و ناگزیری مردم از سفرهای گاه و بیگاه، دشواریهای سفر در ادوار قدیم نیز همواره در ادبیات سفر موضوع توجه بوده و در کنار مدحها و تمجیدها از فواید سفر (مثلاً ← احمدبن حنبل، ج ۲، ص ۳۸۰؛ برقی، ج ۲، ص ۳۴۵؛ ثعالبی، ۱۴۲۷، ص ۳۲۹-۳۳۱؛ قُرطبی، ج ۳، جزء ۵، ص ۱۵۱؛ برای نمونه ها در ادب فارسی ← دهخدا، ج ۲، ص ۹۷۴-۹۸۰) و قول مشهور عوام که «کلب جَوَّالْ خیر مِنْ اسدِ رابض» (سگ ولگرد به از شیر در زنجیر؛ ← ثعالبی، ۱۴۲۷، ص ۳۲۹)، شمار درخور توجهی از اقوال و عبارات مشهور نیز در ذم و قدح سفر پدید آمده است، از جمله «إِنَّ السَّفْرَ قِطْعَةٌ مِنَ الْقَذَابِ» (سفر، پاره ای از رنج است)؛ «ثَلَاثَةٌ يُعْذَرُونَ عَلَى سَوْمِ الْخُلُقِ: الْمَرِيضُ وَالْمَسَافِرُ وَالصَّائِمُ» (سه کس را از بدخویی گریز نیست: بیمار و مسافر و روزه دار)؛ «السَّفْرُ مُتَعَبٌ مُكْرَبٌ» (سفر، رنج آور است و دردافزای)؛ «إِنَّ الْمَسَافِرَ وَمَتَاعَهُ